



آلمان، اتریش و آمریکا (از سال ۱۹۸۴)، کرسی تدریس بر آکادمی های بزرگ آلمان و کانادا را دارد و جایزه های هنری ارزشمندی از سراسر جهان دریافت کرده و تالیفات متعدد در زمینه تجزیه و کشورهای خود نمودند. این نمایشگاه بی مانند با همکاری، موزه هنرهای معاصر تهران - سازمان میراث فرهنگی موزه خاک گلستان - موزه اسلامی - موزه رضا عباسی - موزه هنرهای تزئینی اصفهان و کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری برپا شد. دبیر نمایشگاه شاهکارهای نگارگری ایران نیز بر عهده نقاش توانا محمدعلی رحیمی بود.

**زمستان ۱۳۸۲:** **پیشگامان هنر نوگرایی ایران/** آشنایی با پیشگامان هنر نوگرایی ایران و معرفی آثار آنان در تداوم کوشش های موزه هنرهای معاصر تهران برای ایجاد ارتباط و پیوستگی تاریخی و آگاهی نسل جدید با هنرمندان پیشگامی است که طی دهه های گذشته ساختار هنر معاصر ایران را شکل داده اند. این نمایشگاه به عرصه گزیده ای از آثار نقاشی و حجج های محسن زری مقدم، هنرمند برجسته و مستعد و جویگر اختصاص داشت که از دهه ۱۳۲۰ تاکنون به طور مستمر و پیاپی برانگیزی هنرهای معاصر ایران اشتغال دارد. نتایج آثار هنری بشر در دامان تمدنهای سبز و گنگ و هوانگ گون آفریده شده اند. زمینه های گوناگون ویدئو، چیدمان و اجرا در کنار شیوه های متفاوت نقاشی را عرصه کرده است.

**زمستان ۱۳۸۳:** **هنر معاصر آسیا (چین - هند - ژاپن)** توضیح: تنها هنر معاصر ژاپن به نمایش درآمد و نگاه به هنر چین و هند در سالهای گذشته هرگز به نمایش درنیامد. فرهنگ دیرینه آسیا به عنوان نقاشی و حجج های محسن زری مقدم، هنرمند برجسته و مستعد و جویگر اختصاص داشت که از دهه ۱۳۲۰ تاکنون به طور مستمر و پیاپی برانگیزی هنرهای معاصر ایران اشتغال دارد. نتایج آثار هنری بشر در دامان تمدنهای سبز و گنگ و هوانگ گون آفریده شده اند. زمینه های گوناگون ویدئو، چیدمان و اجرا در کنار شیوه های متفاوت نقاشی را عرصه کرده است.

**بهار ۱۳۸۴:** **پیشگامان هنر نوگرایی ایران/** آشنایی با پیشگامان هنر نوگرایی ایران و معرفی آثار آنان در تداوم کوشش های موزه هنرهای معاصر تهران برای ایجاد ارتباط و پیوستگی تاریخی و آگاهی نسل جدید با هنرمندان پیشگامی است که طی دهه های گذشته ساختار هنر معاصر ایران را شکل داده اند. این نمایشگاه به عرصه گزیده ای از آثار نقاشی و حجج های محسن زری مقدم، هنرمند برجسته و مستعد و جویگر اختصاص داشت که از دهه ۱۳۲۰ تاکنون به طور مستمر و پیاپی برانگیزی هنرهای معاصر ایران اشتغال دارد. نتایج آثار هنری بشر در دامان تمدنهای سبز و گنگ و هوانگ گون آفریده شده اند. زمینه های گوناگون ویدئو، چیدمان و اجرا در کنار شیوه های متفاوت نقاشی را عرصه کرده است.

# نمایشگاه نقاشی های کریم نصر - ۲۵ تا ۳۱ فروردین ۸۵

## خانه هنرمندان ایران (نگارخانه ممیز)

احمد رضا دلوند

تأخذه طرز نگاهی که ضریان زمانه را ضبط کند. - به کارگیری فنی که مقدمات فنی زمانه ایجاد می کند، فنی که قادر به حمل و انتقال محتوایی باشد که از بطن زمانه برمی خیزد و این به معنای پرهیز از روش های اجرایی و تکنیک های بیانی متعلق به اعصار گذشته (به بهانه رعایت هویت ایرانی) و احتراز از گزیده برداری از شیوه های هنر اروپایی (به بهانه معاصر بودن با جهان امروز) است.

برش هایی از زندگی، قطعاتی از وقایع و اخبار، باهایی از دوستان (اشاره به پرتوهای از فریاد شفیعی و احمد و کیلی)، اشاراتی به مدرنیسم، سنت، رئالیسم، سیاست و هنر... تصاویری که شهرنویسان شهرهای امروز جهان، خود آنها را پدید آورند و خود با آنها و در متن آنها زندگی می کنند. تصاویری که گوئی در مصارف رسانه ای آنچنان هزینه می شوند که به سختی می توان بار معنایی، فلسفی، انسانی و زیبایی شناسانه آنها را دریافت کرد... تصاویری که به دست کریم نصر از چرخه روزمرگی خارج و در قاب طرحها و نقاشی های او متوقف می شوند تا در مکتبی طولانی در مقابل نگاه ما قرار گیرند. کاری که کریم نصر با نقاشی هایش می کند، درست همان رسالت بزرگی است که شمر و بوستندگان با کلمه می کنند. شاعر کلمه را در چرخه عظیم مصارف روزمره صید می کند و با نگاهی دیگر به آن، نیروی پنهان را کلمه را به کالبد آن برمی گرداند، شاعر در روخوانی روزمرگی همان کلمات را صید می کند که دیگران به سادگی ممکن است آن کلمات را حیف و حرام کنند. کریم نصر نقاشی است موقد، فیگوراتیو، که فیگورهایش را در همه جای می توان دید؛ و کوچک و بزرگ، خیابان، تلویزیون، محلات مسواک، ایوم عکس خانوادگی، داستانهای کوتاه هر جایی که بتوان تصورش را کرد. او نیز حرکت اندام های انسانی را در لحظه عبور از حریت در جایی و یا در حال خیال ورزی و تفکر به ما نشان می دهد. پیشترین حرکت در فیگورهای انسانی کریم نصر، حرکت ذهنی و درونی آنهاست، تا آنجا که گاه تا مرز نوعی رئالیسم روانشناسانه پیش می رود.

ویکتور کریم نصر به عنوان یک نقاش با «ناسان» و «واقع» و «عواطف» شباهت بسیاری به فترا یک نویسنده داستانهای کوتاه یا سازنده فیلم و یک کارگردان اجتماعی با همین پدیده ها دارد. اما بی رنگ باید افزود که آنچه از نگاه، این نقاش بر صفحه می نشیند کاملاً از این و آداب زبان تجسمی نیست می کند.

کریم نصر نقاش ایرانی ساکن در تهران در نیمه اول دهه هشتاد آثاری را خلق کرده است که ایرانیان حاضر در جهان امروز با همه پیچیدگی های زیستی و سیاسی و ویژگی های منحصر به فرد خود را نمایش می دهد. او برای اثبات هویت ملی و ایرانی یگانه خود، به چیدکام از صفحات تاریخ هنر ایران دستنبرد زنده و زلف را به دست مردی که کت و شلوار پرک پوشیده باشد، داده است. کریم نصر نگاهش را از عناصر بصری و موتیف های توراتی پسند که نسلی از نقاشان معاصر به برهوت هویت ملی کشانده، برگرفته و به ذهن ایرانی، پرداخته است. یکی از مسائل مهم ذهن ایرانی، همین «مرد مزایر» است که در عرفان و هنر ایرانی پیدا می شود. آدم های حاضر در آثار کریم نصر با عرفان و شعر و فال و تمیز خواب و تلویزیون و کتاب و روزنامه و ورزش و سیاست و... مدعورند.

کریم نصر نمایشگاه نقاشی هایش را با عنوان: «تئاتر شهر، نمایش در چهار پرده» عرضه کرده است. عنوانی شایسته و پهلوی از نمایشی عظیم به نام زندگی به کارگردانی کریم نصر و با حضور اندامها و هیاکل انسانی که از فیلتر ذهن نصر عبور کرده و در چارچوب طرح ها و نقاشی هایش برای همیشه ثبت شده است.

شکوه شگفت انگیز نقاشی، طعم تلخ طراوی، جلوه جذاب جست وجو، ضریان نضی زندگی، نمایشی همگام و اندامهایی برگرفته از چشم اندازهای آشنا، اندامهایی که نه از کتابهای تاریخ نقاشی اروپا و نه با ضرب وزر «ابری کمانی» و «چشم بادامی» کریم نصر، نضی زندگی را با تکیه بر دو عامل: بیان صادقانه و تسلط بر ابزار کار به ضریان داشته است.

نگاه گرسنه ما از این طرح به آن نقاشی به آن نقاشی سر می کشد و خطوط آشنایی ایایی می گیرد که از عقب به سطح و از ذهن به عین و بالعکس در نوسان است.

آثاری که از روزمرگی ها ریشه می گیرند، اما در سطح متوقف نشده و تا «لاپیرنت» رویاها برمی کشند.

هر چند این فرآیند را در بهترین قفسه ها و زمان های معاصر و یا در تأثیر گذارترین قفسه ها و به یاد ماندنی ترین شهرها نیز می توان یافت. نوازی و توانایی میسان اثر یک نقاش و یک کارگردان سینما، یا یک قصه نویس و یک شاعر، گیرم نه از نظر ماتریال، بلکه از منظر نوع تلقی و جنس نگاه از جمله تلیات یک حرکت متوازن در عرصه فرهنگ است.

ظهور و بروز چنین رفتار موزونی از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می کند که علی الواقع میان آنها هیچ ارتباط و پیوند مستند و مشخصی وجود نداشته باشد. آنچه که آنها را به هم پیوند می دهد چیزی نیست جز روح زمانه و بر هیچ کس پوشیده نیست که مسؤفیت شدن فعالیت ادبی، هنری و فرهنگی در یک مقطع زمانی، تنها هنگامی رخ می دهد که روح زمانه در کالبد کلمه، رنگ، صوت و تصویر متجلی شود.

روح زمانه، تنها وقتی در کالبد ادبیات، نقاشی، سینما و شعر می گنجد که هنرمندان بوستندگان یک جامعه خود را ملزم به انعکاس دادن کیفیت جاری در زیر و زبر زمانه خود بدانند. برای مثال در دهه های ۴۰ و ۵۰ میان آثار ساعدی، صادقی، شاملو، فروغ و اخوان ثالث از سویی و آثار مطرح ترین نقاشان همان دوره از سویی، چه در عرصه شعر و چه در عرصه نقاشی، چه چیزی از یک مقطع زمانی، یک نسل و یا یک درد مشترک گرم می زد؟... در مصداق که مراجعه کنیم، پاسخ قانع کننده ای دریافت نخواهیم کرد. نمی خواهم با طبع چنین منطقی اهمیت آثار نقاشی هنرهای ۴۰ و ۵۰ را نادیده بگیرم، غرض پیدا کردن آدرس است که بتوان تلیات مختلف هنر و ادبیات را در زیر یک سقف مشترک به نام روح زمانه را در خود جای داده باشد. می خواهم بگویم این سقف مشترک، نشانده هایش را در حتی در دهه های ۶۰ و ۷۰ نیز نشان نمی داد. از نیمه دوم دهه ۷۰ به سوی نور، روح کوبی دست هایش را از تاریکی به درآورده و کم تر کم می نماید. پیوند از تانگ میان همه اعضای یک اجتماع منجر به خلق شرایطی دوران ساز می شود، این یک درس تاریخی است. مشاهده کمترین نشانه ها از این پیوند از تانگ، هیچگونه تغافل و تجاهل را بر نمی تابد. واقعیت آن است که برای درک آن چیزی که در اینجا با عنوان «روح زمانه» از آن یاد می شود، لازم است که فراتر از ریمت شخصی و در یک فردی به پدیده ها بنگریم. در چنین شرایطی به راحتی می توان نام کریم نصر را در کنار امیر حسن چهلتن (نویسنده)، رابعه زهن (شاعر)، کمال تبریزی و اصغر فرهادی (کارگردان) و چند روزنامه نگار میاسال قرار داد و بر این چنین تکره ای استدلال های تأمل برانگیزی نیز مطرح کرد:



# موزه هنرهای معاصر تهران در یک نگاه



با این نمایشگاه عرصه کرده اند. این نمایشگاه به عرصه گزیده ای از آثار نقاشی و حجج های محسن زری مقدم، هنرمند برجسته و مستعد و جویگر اختصاص داشت که از دهه ۱۳۲۰ تاکنون به طور مستمر و پیاپی برانگیزی هنرهای معاصر ایران اشتغال دارد. نتایج آثار هنری بشر در دامان تمدنهای سبز و گنگ و هوانگ گون آفریده شده اند. زمینه های گوناگون ویدئو، چیدمان و اجرا در کنار شیوه های متفاوت نقاشی را عرصه کرده است.

**بهار ۱۳۸۴:** **پیشگامان هنر نوگرایی ایران/** آشنایی با پیشگامان هنر نوگرایی ایران و معرفی آثار آنان در تداوم کوشش های موزه هنرهای معاصر تهران برای ایجاد ارتباط و پیوستگی تاریخی و آگاهی نسل جدید با هنرمندان پیشگامی است که طی دهه های گذشته ساختار هنر معاصر ایران را شکل داده اند. این نمایشگاه به عرصه گزیده ای از آثار نقاشی و حجج های محسن زری مقدم، هنرمند برجسته و مستعد و جویگر اختصاص داشت که از دهه ۱۳۲۰ تاکنون به طور مستمر و پیاپی برانگیزی هنرهای معاصر ایران اشتغال دارد. نتایج آثار هنری بشر در دامان تمدنهای سبز و گنگ و هوانگ گون آفریده شده اند. زمینه های گوناگون ویدئو، چیدمان و اجرا در کنار شیوه های متفاوت نقاشی را عرصه کرده است.

اسپانیایی رواج یافت. به منظور نشان دادن این تحول در نقاشی غرب که گاه آن را بهترین جنبش هنری نیمه دوم قرن بیستم به حساب می آورند، مجموعه ای از سراسر از تابلوهای متعلق به موزه هنرهای معاصر تهران شامل آثار: جکسون پولاک، ویلم دوکونینگ، مارک روتکو، فرانتز کلان، پیر سولز، ژان پورتریه، هانس هارترنگ، ژان پل راپول و... به نمایش درآمد.

**بهار و تابستان ۱۳۸۲:** **مجموعه آثار آرمان Arman** (آرمان پی بر فرترانسر Armand Pierre) متولد ۱۹۲۸ فرانسه. او پس از گذراندن دوره مدرسه علمی هنرهای تزئینی در نیس و لور و مطالعه باستان شناسی و هنر شرقی پرداخت و پس از آن به نقاشی آستره پرداخت. او در آرمان، تحت نام واقعی اش پیرویی به خلق اولین مجموعه انشایی دست ساز پرداخت. او پس از مسافرت به ایران، ترکیه و افغانستان در سال ۱۹۶۰ به همراه تتی چند دوستان هنرمندش گروه «رئالیست های نوین» را بنیان نهاد. این نمایشگاه فرصتی برای آشنایی با یکی از چهره های مشهور هنر معاصر جهان بود.

یکی از مراکز بزرگ حفظ و نگهداری و ارائه آثار هنری در کشور، موزه هنرهای معاصر تهران است. با مراجعه به مقامات و مدیران موزه، آنچه حاصل شد، نموداری از فعالیت موزه در سالهای گذشته بود. آنان با کوله باری از تجربه و دستپای خالی، سال گذشته را سپری کردند. کمیوند آثار با سوتمدیر؟

دولت به منظور ارائه دستاوردها و معاصر تهران خط و ربطی به فردا پیدا کنیم، اما با نگاهی به ریدای این موزه زیبا و بزرگ، بار دیگر اهمیت حضور این مرکز مشهور و کم مانند را به مدیریت کران فرهنگی کشور یادآوری می کنیم.

**موزه هنرهای معاصر تهران**

**از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۲:** **تابستان ۱۳۸۱:** **نمایشگاه عکاسی معاصر اروپا** سیاهاست که عکاسی به عنوان عمده ترین رسانه تصویری، نقش انکارناپذیری در مبادلات متون انسان امروز برعهده دارد. این ابزار قدرتمند، هم در تلیات هنرمندانه و هم در نراهای متعدد زندگی ما، حضور پر «اطلاعات information» و متغی خود را به اثبات رسانیده است.

نمایشگاه عکاسی معاصر اروپا، آثاری از عکاسان برجسته ۸ کشور اروپایی را که در آنها لحظات شورانگیز و شگفتی آور زندگی، طبیعت و جامعه انسانی به صورت خلاصه ثبت کرده اند، به مشتاقان هنر عکاسی ارائه کرد. این مجموعه با همکاری سفارتخانه های کشورهای عضو اتحادیه اروپا، خصوصاً سفارت دولت پادشاهی اسپانیا که ریاست وقت اتحادیه اروپا را بر عهده داشت، برپا گردید.

**بهار ۱۳۸۲:** **نمایشگاه هنر جدید (New Art)** «هنر جدید»، جریان پیشگامان هنر دهه آخر سده بیستم است که با خصلت «موضوع گرایی خود دعوی خالص شدن هنر مدرن را به مقابله فرآیند یازنده، نام معرفی کرد. این رویداد در تداوم نخستین نمایشگاه «هنر مفهومی» که در سال ۱۳۸۰ برپا شد و به منظور تشویق هنرمندان در عرصه های جدید خلاصیت در هنر معاصر ایران و استفاده از هنرترین آثار اروپا و مواد